

بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی

طاهره رجیبی^{۱*}

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

محمد حسن میزاحمدی

دانشیار دانشگاه شاهد

چکیده

تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر اهمیت ویژه ای پیدا کرده است و از ابعاد و زوایای مختلف بررسی گردیده است. در این مقاله هدف این است که از منظر تربیتی و با محوریت قرارداد مفهومی جهاد در قرآن چگونگی تحقق تمدن اسلامی بررسی شود و تربیت مبتنی بر جهاد به عنوان بایسته اساسی تحقق تمدن اسلامی مطرح گردد. برای رسیدن به این منظور با استفاده از روش تحلیل مفهومی ابتدا مفاهیم مختلف و ابعاد متفاوت جهاد در آموزه های اسلامی با تاکید بر قرآن بررسی گردید و در پایان به استنتاج و تحلیل چگونگی تاثیر پذیری و تاثیر گذاری بین انسان و تمدن با محوریت جهاد پرداخته شد. جهاد نوع مواجهه تمدن اسلامی با تمدنهای رقیب را بر اساس چهار نوع رویارویی هجوم، دفاع، تقیه و هجرت مشخص می کند. اکنون در شرایطی که انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته و مرحله نظام سازی انجام گرفته است، لازم است تمدن اسلامی در موقعیت فعال و هجومی قرار گیرد. موفقیت در این مواجهه تمدنی به چگونگی تربیت انسان تمدن ساز بستگی دارد. الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد ظرفیت وسیعی دارد تا با تلفیق قلمروهای تربیت جهادی در عرصه فردی و اجتماعی به شکل گیری بینش، کنش و منش جهادی برای تحقق تمدن نوین اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی: جهاد، الگوی تربیتی جهاد، قلمروهای تربیتی جهاد، موقعیت های جهاد، تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲

* (نویسنده مسئول: t.rajabi۱۲@yahoo.com)

مقدمه

در طول تاریخ اندیشمندان و فیلسوفان تربیتی بر اساس جهان بینی خود و تعریف از انسان، نظریه ها و مدل‌های مختلف تربیتی ارائه داده اند، پاسخگوی بخشهایی از نیازهای انسان بوده اند و ساحت های مختلفی از تربیت را با محوریت انسان مورد بررسی قرار داده اند. در زمانه فعلی واکاوی انسان و اندیشه هایش تنها در جایگاه فرد، خانواده و اجتماع فرایند ناقصی است، بلکه لازم است در افق وسیع تر و در جایگاه تمدنی به موضوع نگریست. هر چند سرآغاز بحث تمدن به زمان پیدایش بشر و گسترش شهرنشینی و مدنیت برمی گردد و با نگاهی تاریخی تمدنهای بزرگ و متنوعی در گذشته ظهور و افول داشته اند، اما در دو دهه اخیر به دلایل مختلف از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران به عنوان مقدمه ای برای رسیدن به آرمان انقلاب که تحقق تمدن بزرگ اسلامی است؛ نظریات تمدنی و مباحث آینده پژوهی، به صورت جدی تر طرح گردیده است و رویکردهای مختلفی پیدا کرده است. «تمدن گرایی» جریان جدیدی در اسلام است که در کنار دو جریان دیگر اسلام، جریان «نوگرایی» و «بنیاد گرایی» مطرح شده است. در جریان نوگرایی اصول اسلامی مهم است اما در کنار تمدن غرب هم رویکرد تدافعی دارند و در مقابل جریان اصل گرایی به وجود تعارض بنیادی بین اسلام و تمدن غرب قائل است و علم مدرن را عامل مشکلات جهان اسلام می داند. در این میان جریان تمدن گرایی نگاهی نقادانه نه متعارض یا خوش بینانه به غرب دارد و با نگاهی آینده گرا تحقق چشم انداز «تمدن نوین اسلامی» را برای جهان اسلام ترسیم می کنند. تمدن گرایان به دنبال بازگشت به تمدن اسلامی نیستند، بلکه به دنبال ایجاد تمدن نوین متناسب با ارزش های اسلامی و مقتضیات زمانه و پیشرفت های بشری در آینده اند (غفاری، ناصرخاکی، ۱۳۹۵). در شرایطی که تحقق تمدن نوین اسلامی از آرمانهای انقلاب اسلامی می باشد، لازم است به زیربنایی ترین عامل تحقق تمدن نوین اسلامی که عنصر «تربیت» می باشد تأمل بیشتری نمود تا نسخه تربیت متناسب با شرایط تحقق تمدن اسلامی بر اساس مبانی اسلامی تبیین گردد.

تمدن از موضوعات میان رشته ای است و از این رو در حوزه های مختلف و از زوایای مختلف این موضوع بررسی گردیده و ضمن تعاریف مختلفی که از تمدن به میان آمده

است؛ از امکان تحقق این تمدن تا مولفه های آن و علل فراز و فرود تمدنها بحث های مختلفی صورت گرفته است. در میان همه مباحث تمدنی و تعاریف گوناگون، بدون شک از «انسان» سخن گفته شده است و بخشی از تعاریف تمدنی، انسان محور است (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۳۵). تا انسان نباشد جامعه و تمدنی شکل نمی گیرد و مسیر این تمدن را هم خود انسان جهت می دهد. امکان تحقق تمدن بدیهی و از مدنی الطبع بودن انسان ناشی می گردد اما صعود و سقوط تمدن به نحوه مواجهه با انسان و نوع نگاهی که به او دارد و نوع نگاهی که انسان به تمدن دارد؛ برمی گردد. در واقع بین «تمدن» و «انسان» رابطه دو سویه تاثیر و تاثر برقرار است و میزان این رابطه به میزان هماهنگی هر چه بیشتر این دو بر می گردد. تمدنی که پرورش انسان را با نگاه همه جانبه به نیازهای مادی و معنوی او در نظر دارد با تمدنی که تنها با تولید ابزارها و تکنولوژیهای به روز در صدد فراهم کردن رفاه مادی بیشتر برای انسان است، تفاوت اساسی دارند. تمدنی که برگرفته از تفکر اومانیستی، استعدادهای انسان را در جهت تکامل ابزار تولید و عقل ابزاری می بیند و بر قوانین مادی و قراردادهای وضعی بشر حاکم است که شرایطی را برای بالابردن نظم و دانش علمی فراهم می کند. در تمدن دیگر مدنیت انسانی تنها تابع پیشرفت تکنولوژیک و علم مادی نیست بلکه اساسا ناظر بر روابط اخلاقی و معنوی می داند (خاکرند، ۱۳۹۰، ص ۷۵). تحقق تمدن اسلامی جز با رفع چالش ها و موانع پیش روی خویش که بخش اعظمی از آن ناشی از تناقضات مبنایی با تمدن غرب می باشد؛ امکان وقوع ندارد و تمدن نتیجه توان انسان در غلبه بر این شرایط است. این توان و آمادگی را می توان با طرح موضوع کلیدی در آموزه های اسلامی تحت عنوان «جهاد» برای انسان مهیا کرد. این پژوهش به دنبال تبیین مفهوم جهاد از منظر تربیتی می باشد تا بتوان به عنوان الگوی متناسب برای تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح کرد. با این توصیفات در این مقاله این فرض مطرح می باشد که مدل تربیتی متناسب با تحقق تمدن اسلامی تربیت جهادی است و در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

الف) الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد چیست؟

ب) الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد، چه نقشی در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد؟

تحقیقاتی که در حوزه موضوعات تمدنی انجام گردیده است، کمتر به این موضوع از منظر تربیتی نگریسته است و ضرورت پرداخت این موضوع از این زاویه به عنوان مبنایی ترین قسمت برای تحقق تمدن نوین اسلامی بیشتر می باشد و تاکنون پژوهش مستقلی برای تبیین الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد انجام نگردیده بود.

روش

برای پاسخ به پرسش های این پژوهش از روش تحلیل مفهومی و استنتاجی بهره گرفته شد. بدین ترتیب که ابتدا واژه جهاد و مشتقات آن بر اساس منابع دینی و با تاکید بیشتر بر آیات قرآن بررسی گردید و گستره مفهومی جهاد در آیات مختلف بررسی، جمع آوری و دسته بندی گردید. ضمن مقایسه جایگاه این واژه در آیات مختلف به مراتب مختلف معنایی جهاد از نازل ترین تا عالی ترین سطح پرداخته شد. سپس براساس موارد جمع آوری شده، قلمروهای تربیتی جهاد تحلیل گردید و شیوه های مواجهه جهادی با تمدن های رقیب استنتاج شد و در این راستا الگوی مبتنی بر جهاد در تحقق تمدن نوین اسلامی تبیین گردید.

یافته ها

سؤال اول: الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد چیست؟

الف- جهاد ضرورتی مبتنی بر ساخت انسان

جهاد از باب مفاعله است و معمولاً در مواردی به کار می رود که نوعی همکاری، تقابل و رقابت در آن وجود دارد. بنابراین در جهاد دو طرف در برابر هم، صف آرایی می کنند. هریک برای دست یابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می پردازد و هر چه در توان دارد به کار می گیرد. البته جهاد تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکار نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در بر می گیرد. واژه جهاد به جز دو آیه از قرآن (عنکبوت، آیه ۸ و لقمان، آیه ۱۵) که تلاش پدر و مادر برای مشرک ساختن فرزندانشان جهاد خوانده شده است، در سایر موارد بار ارزشی مثبت دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹-۲۰). اولین اصل فطری در انسان، استخدام و بهره کشی از دیگران است. اجتماع و تمدن

زائیده از آن و اصلی ثانوی است. انسان در حالت عادی تصور می‌کند تنها ستمگران عادت به تسلط و بهره‌کشی از دیگران دارند؛ اما اگر کسی مزاحم و مانع حقی از حقوق او هم شود، آن موقع است که تلاش می‌کند، انسان مزاحم را از سر راهش بردارد. این بهره‌کشی در همه انسانها وجود دارد و مراتبی از شدت و ضعف دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۴۵). در قرآن از دو دسته انسانها تحت عنوان قاعدین و مجاهدین نام برده شده است.^۱ قاعدین و مجاهدین وصف دو گروه از انسانهای مؤمن است که در بسیاری از صفات پسندیده انسانی مشترک می‌باشند. اما نقطه اصلی تفاوت بین قاعدین و مجاهدین در اقدام و حرکت آنها و سبقت برای ورود به صحنه مبارزه است که این تفاوت با اجر عظیم برای مجاهدان بیان شده است. پس حرکت و اقدام، امتیازی است برای انسان که از ساخت و فطرت او ناشی می‌شود. صحنه تعارضها از لحظه آفرینش انسان و بر اساس اقتضای خلقت انسان ایجاد می‌شود. اما آنجا که انسان در سطح غریزه است، نزاعی نیست و آنجا هم که به توحید می‌رسد و دلش مظهر خداوند می‌شود، نزاعی نیست. مبارزه و درگیری در میان این دو مرحله است. آنجا که هدف‌ها دو تا شوند و راهها جدا شوند و انسان بین خودپرستی و خداپرستی باید دست به انتخاب بزند (صفایی حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۰-۳۹). از این رو هنگامی که میدان تقابل‌ها و تعارض‌ها مطرح شود و ضرورت تلاش و کوشش انسان در مواجهه با تعارضات مطرح باشد؛ از «جهاد» سخن به میان می‌آید. جهاد مفهومی است که در عرصه‌های مختلف می‌توان از آن سخن گفت. فرایندی چند لایه است که در پایین‌ترین سطح آن جنگ سخت است و با واژه قتال معنا می‌یابد ولی در سطوح بالاتر آن به عنوان ترسیم مبانی فکری و معرفتی انسانها و به عنوان راهبردی نرم افزارانه تبیین می‌شود (جانی پور و ستوده نیا، ۱۳۹۲). در قرآن که کتاب تربیت و انسان‌سازی است، جهاد در سطوح مختلف مطرح شده است. یکی از این سطوح «هدایت» است.^۲ هدایت به عنوان هدف نهایی در تربیت اسلامی مطرح است و نقطه مقابل آن غی (گمراهی) است (باقری، ۱۳۹۳، ص ۷۶). از این رو می‌توان جهاد را با رویکردی تربیتی تفسیر کرد و به طرح

۱. لا یستوی القاعدون من المومنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه و کلا وعد الله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما- نساء/ ۹۵
 ۲. والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین. عنکبوت/ ۶۹

«تربیت جهادی» پرداخت. تربیت جهادی یعنی تربیت انسانهایی با تفکر جهادی که همواره خود را در میدان مبارزه می یابند.

تربیت اسلامی به رغم تدوین برنامه ای برای تربیت عمومی، در خصوص مومنان برنامه تربیتی ویژه ای دارد (علم الهدی، ۲۴۳، ص ۱۳۸۴). این برنامه بر اساس اهدافی انتخاب می شود که فراروی اسلام در نظر گرفته شده است. هدف از تحقق فلسفه تربیتی اسلام، عرضه مدلی است که توان رویارویی با خطراتی که جهان اسلام با آن روبه رو است را داشته باشد و پاسخگو به نیازها و آرمانهای جهان اسلام باشد و تربیت مسلمانانی برای ورود به معرکه اندیشه تربیتی جهانی تا آن را از بحران های موجود برهاند (کیلانی، ۱۰۲، ص ۱۳۸۹). چنین هدفی با ارائه مدل خاص تری از تربیت اسلامی محقق خواهد شد. مدلهای مختلف تربیت اسلامی بی ارتباط با هم نیستند. برنامه عمومی و خاص تربیت اسلامی در طول یکدیگر و به صورت مرتبه هایی از یک برنامه تربیتی منسجم تدوین می شود تا هدایت سطوح گوناگون مردم را در بر بگیرد (علم الهدی، ۲۴۳، ص ۱۳۸۴). در سطوح عام تر تربیت اسلامی تلاش می شود تا اهداف، اصول و روشهایی که در تربیت فرد مسلمان لازم است ارائه گردد. این اهداف و اصول بیشتر رویکردی اخلاقی دارد. این موارد مقدماتی برای تربیت جهادی است تا بعد از گذراندن این مقدمات وارد مرحله بالاتری از تربیت شود که ضمن رشد اخلاقی لازم وارد عرصه های مهم تری در اجتماع شود. جهاد در درون (جهاد اصغر) و جهاد در بیرون (جهاد اکبر) هر دو باید هماهنگ با هم پیش روند. تربیت مبتنی بر جهاد از تلفیق این دو قلمرو محقق می گردد و تحت عنوان تربیت جهادی نامگذاری می شود (رجبی، نوروزی، ۱۳۹۴، ص الف).

ب- قلمروهای تربیتی جهاد

۱. تربیت اسلامی، مرحله زمینه ساز؛

پیش شرط لازم برای جهادی تربیت کردن انسان، مقدماتی از تربیت اسلامی است. در جریان ربوبی شدن انسان که هدف تربیت اسلامی است، چهار مرحله مشخص وجود دارد: مرحله اسلام، ایمان، یقین و تقوی. منظور از مرحله اسلام، پذیرفتن ظواهر آیین اسلام است و مراتب عمیق تر اسلام در نظر گرفته نشده است. مرحله ایمان مرتبه ای است که به حد

ثبات و استواری رسیده است. منظور از تقوا مرتبه ای است که ثمره ای از ایمان ثابت و استوار باشد. مرتبه یقین هنگامی است که مرحله شک را طی کرده و به مرحله شهود رسیده باشد (باقری، ۱۳۹۳، ص ۲۴۴). مرحله اسلام و ایمان از تربیت اسلامی به عنوان مرحله زمینه ساز تربیت جهادی مطرح است. در آیات جهادی قرآن، امر جهاد بعد از مرحله ایمان مطرح شده است.^۱ در حدیث هم جهاد را یکی از ارکان ایمان معرفی کرده است.^۲ در آیات دیگری امر به جهاد بعد از تقوی و هجرت مطرح شده است. که می توان آنها را از مراتب بالاتر جهاد دانست.

۲. تربیت اخلاقی، مرحله آغازین؛

تربیت اخلاقی مجموعه ای از فعالیتهای تربیتی به منظور از میان بردن صفات رذیله و ایجاد فضایل اخلاقی است (داودی، ۱۳۸۸، ص ۹). از این رو، وجود انسان کارزار بین عقل و جهل است جدال پیوسته لشکریان عقل و جهل، یکی از مباحث تربیت اخلاقی است. و سعادت انسان در این دنیا و جهان آخرت به نتیجه این نبرد بستگی دارد. اصلی که از این مبنا بدست می آید، اصل مراقبت دائم و مخالفت پیوسته با هواهای نفسانی و لشکریان جهل است. (داودی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱). تربیت واقعی زمانی شروع می شود که کودک به انزجار از چیزهای منفور و دوست داشتن چیزهای پسندیده عادت می کند. لازم است کسب عادات خوب نه تنها از طریق مبارزه با بدیها، بلکه با نفی و طرد عوامل زاید نیز پیش رود. امروز هیچ خانواده ای بدون یک دفاع متقابل قاطعانه، حتی در چهاردیواری حریم خود، از تعرض حماقتها و بیشرمیها در امان باقی نمانده است (برزینکا، ۱۳۷۱، ص ۲۳۹-۲۴۰). مبارزه ای که انسان در میدان نبرد درونی اش و با دشمنی های نفس اماره و شیطان انجام می دهد، از مبانی اصلی تربیت اخلاقی و در این قلمرو مفهوم می یابد. ساختار وجودی انسان، ضرورت این مبارزه را تعیین می کند و شناخت انسان نسبت به

۱. وَ إِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ. توبه/۸۶

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. صف/۱۱

۲. خدای عز و جل ایمان را بر چهار پایه قرار داده است: ۱- صبر، ۲- یقین، ۳- عدالت، ۴- جهاد. أصول الکافی /

ترجمه مصطفوی؛ ج ۳؛ ص ۸۳

چگونگی مبارزه و توان دشمن و مهارتهای لازم برای مبارزه، او را در مسیر تربیت اخلاقی خویش قرار می دهد. هر چقدر در این میدان تلاش نماید و مبارزه بهتری انجام دهد، مراحل تربیت اخلاقی را بهتر می پیماید. نتیجه مبارزه، آدمی را رشد نمی دهد، بلکه قرار گرفتن در فرایند مبارزه، قرار گرفتن در مسیر رشد و تربیت خواهد بود.

۳. تربیت اجتماعی، مرحله عملیاتی؛

انسان در عین برخوردار بودن از ویژگی های بنیادین حریت، کرامت و فطرت، عضوی از جامعه معینی است و این عضویت او را در وضعیت فرهنگی اجتماعی معین و در عرصه ای از تأثیرات قرار می دهد. اما انسان این قابلیت را دارد که لزوماً به صورت انفعالی متأثر از جامعه وضعیت اجتماعی خویش نباشد، بلکه وضعیت اجتماعی خویش را مورد تردید و تأمل قرار دهد و در برابر آن مقاومت کند و بر آن تأثیر گذارد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶). ضرورت اجتماعی بودن انسان او را در میدان تعامل یا نزاع با دیگری قرار خواهد داد ولی عکس العمل او به واقعیت های اجتماعی او را در میدان مبارزه بیرونی قرار خواهد داد. برخورد فعال یا منفعل، سکوت یا فریاد، سکون یا حرکت هر کدام برای او گزینه های پیش رو است و چگونگی شناخت از میدان نبرد اجتماعی و احساس مسئولیت او در رفع موانع، سبب پرورش جنبه هایی از شخصیت آدمی می شود که به زندگی او در میان جامعه مربوط است. در واقع مبارزه راهبرد و روشی است که با انجام آن زمینه تربیت اجتماعی آدمی فراهم خواهد شد. در اسلام تربیت و رهبری فردی و رهبری اجتماعی برای رسالت بزرگ، دوشادوش حرکت می کنند. زیرا اگر جریان حیات فردی فاسد باشد، جریان حیات اجتماعی فاسد خواهد شد و اگر جریان حیات اجتماعی فاسد باشد، جریان حیات فردی فاسد خواهد گشت (حکیمی، ۱۳۱۴، ص ۲۱۹). پس تربیت مبتنی بر جهاد، تربیتی است که توجه همزمان و همیشگی به تربیت ابعاد درون فردی و برون فردی او دارد. در بعد درونی بر اساس پرورش اخلاق مقدمات لازم برای رفتن به صحنه اجتماع را فراهم می کند تا در عرصه اجتماع بعد برون فردی انسان پرورش یابد و آمادگی روحی و فکری مقابله و مبارزه در او عملیاتی گردد.

سؤال دوم: نقش الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی چیست؟

در شرایط فعلی که رویارویی با اندیشه‌های متنوع فکری و درگیری بین حق و باطل تحت عنوان برخورد تمدن‌ها نمایان‌تر است؛ ضرورت طرح الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد (تربیت جهادی) بیشتر می‌باشد. تعارض موجود بین برخی از آموزه‌های حاصل از تمدن غرب با آموزه‌های برگرفته از متون اسلامی، دغدغه‌هایی را در میان برخی متفکران جامعه پدید آورده است. وعده الهی به ظهور تمدن اسلامی و ادعای کامل بودن دین اسلام و داشتن ظرفیت عمیق برای هدایت و تربیت انسان، ضرورت مواجهه جهادی در فضای اندیشه و عمل را بیشتر می‌کند. سنت خداوند بر آن است که سرنوشت قوم را به دست انسانها و از طریق تغییر در خودشان رقم بزند. بر این اساس پیوند و رابطه‌ای بین محتوای درونی انسانها و وضع و حال جامعه وجود دارد. جهاد در درون (جهاد اصغر) و جهاد در بیرون (جهاد اکبر) هر دو باید هماهنگ با هم پیش روند. این حرکت در مقابل سکون و سکوت قاعدین به پرورش مجاهدانی منجر می‌شود که ضمن بی تفاوت نبودن به دستاوردهای تمدن جدید با جدیت و بر اساس مسئولیت الهی خویش در راستای تحقق تمدن عظیم اسلامی که برگرفته از آموزه‌های وحیانی است؛ اقدام کنند. میدانهای نبرد بهترین موقعیت برای تربیت چنین مجاهدانی است. نبرد وقتی واقع می‌شود، انسان از خستگی‌ها بیرون می‌آید و فعالیت می‌کند و جوهره انسان که باید همیشه متحرک و فعال باشد بروز می‌کند و در راحتی، انسان همیشه کسل است (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۰). در عرصه جهاد، موقعیت‌های تربیت‌ساز اهمیت خاصی دارد و تعالی انسان از بستر موقعیت‌های مبتنی بر نبرد شکل می‌گیرد و قدرت رویارویی با بحران‌ها، قدرت تصمیم‌گیری، روحیه اعتماد به نفس، عزت و... در چنین موقعیت‌هایی سنجیده و نهادینه می‌گردد. (رجبی و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ب)

الف- شیوه‌های مواجهه جهادی برای تحقق تمدن نوین اسلامی

در یک تقسیم بندی عقلی شیوه های مواجهه جهادی در چهار موقعیت هجوم، دفاع، تقيه و هجرت تقسیم بندی می گردد.

۱. در موقعیت هجوم، انسان پیشقدم برای ورود به میدان نبرد می شود و در واقع مدیریت میدان کارزار را در دست دارد. این مدیریت در میدان نبرد درونی، به منظور هجوم به لشکر شیطان و حملات نفس اماره است و در میدان مبارزه بیرونی، هجوم به هر مانعی که در مقابل تکامل و تعالی انسان، جامعه و تمدن اسلامی قرار دارد. پیشگامی انسانها در ورود به نبرد و هجوم به دشمن به اندازه ای مهم است که در قرآن عدم حرکت ابتدایی مسلمانان برای ورود به میدان نبرد را زیر سوال می برد.^۱ انسان بنا بر مسئولیت خویش و روحیه تعالی طلبی و تحول خواهی برای خود و دیگران، اهمیت ورود به میدان مبارزه را درک می کند و برای این اقدام، حرکت فعالانه می کند، موانع و حصارهای موجود را می شکند و حاضر نیست به شرایط موجود تن دهد.

۲. در موقعیت دفاع میدان نبرد و درگیری توسط انسان ساخته نمی شود، بلکه انسان مجبور است در میدان ساخته شده توسط دشمن وارد شده و به دفاع بپردازد. دیگری ابتکار را در طراحی موقعیت به دست می گیرد و بر اساس هدف خود میدان درگیری را ترسیم می کند. در قرآن^۲ به مسلمانان در مقابل تهاجم دشمن دستور به دفاع داده شده است. بسیاری از جنگهای صدر اسلام در پاسخ به حملات دشمن و با هدف دفاع، صورت گرفته است. در این قاعده، چون انسان باید در میدان دیگری ایفای نقش کند، حتما باید برنامه دفاع خود را متناسب با نحوه هجوم دشمن تنظیم کند و از ابزارها و امکاناتی متناسب با امکانات دشمن بهره ببرد که مغلوب تصمیمات دیگران نگردد.

۳. گاهی شرایط به گونه ای است که نه امکان هجوم برای انسان مهیا است و نه توان دفاع در مقابل هجوم دیگری را دارد؛ در این موقعیت باید اقدام به هجرت نماید و میدان مبارزه را ترک کند. این هجرت برخورداردی منفعلانه تلقی نمی شود و با آگاهی کامل از موقعیت مبارزه صورت می

۱. و مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَاهُوَ

الْقَرْيَةَ الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَثِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا - نساء/ ۷۵

۲. الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ - بقره/ ۱۹۴

گیرد و اقدام و حرکت محسوب می شود. در صدر اسلام شاهد هجرت مسلمانان مکه به مدینه بودیم. این عمل مهاجرین در قرآن مورد ستایش خداوند می باشد. هجرت بار معنای بزرگی در قرآن دارد. هجرت می تواند در معنای اعم آن به هر اقدامی در ترک محیط نامطلوب به سمت مطلوب باشد و در معنای اخص حرکت از ناحیه شرک به سمت توحید و از گناه به سمت ثواب باشد. موقعیت هجرت هنگامی پیش می آید که انسان لازم است، به علت هدف بالاتری از سایر تعلقات خود بگذرد و آنها را رها سازد. این موقعیت تمرینی برای چشم پوشی از دوست داشتنی هاست.

۴. تقیه یک شکل پیچیده از مبارزه است و در شرایطی که امکان هجوم، دفاع و یا ترک میدان نبرد فراهم نباشد. باید سکوت کرد و در ظاهر با دشمن همراهی کرد. تقیه راهی است که مبارزه را از بن بست نجات می دهد، چون آن جا که نمی شود درگیر شد و با وسیله پیش رفت باید مانع ها را دور زد و از همان ها بهره برد و از آنها وسیله ساخت. امام علی(ع) بدون چشم پوشی از هدف و بدون ذلت و بدون بهره برداری از باطل در مدت سکوت خود کاری کرد که به همان دلیلی که از او بریده بودند به او بازگشتند و از دشمنانش، دوستانی به وجود آورد. تقیه این انعطاف و لطافت را دارد و می آموزد که آنجا که نمی توانی در برابر دشمن بایستی در دل او بنشین. (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲-۱۱۳) از این رو تقیه شکل پیچیده ای از مبارزه است و در شرایطی که امکان هجوم، دفاع و یا هجرت فراهم نباشد کاربرد دارد.

پایه ریزی تمدن اسلامی با پیدایش و گسترش اسلام آغاز گردید و در طی قرون مختلف به فراز و فرود رسید. مبانی فکری این تمدن برگرفته از آموزه های وحیانی اسلام مبنی بر تحقق وعده های تخلف ناپذیر الهی در عصر موعود است. در سیر ایجاد و تکامل تمدن اسلامی، همواره یکی از شیوه های مطرح شده در مواجهه با تمدنهای رقیب مطرح بوده است. از عصر ائمه علیهم السلام و فضای دشمنی و اختناق که تنها موقعیت «تقیه» را می طلبید تا تمدن اسلامی در قرن چهارم و پنجم که در اوج منزلت علمی و تسلط و «هجوم» فکری بر تمدنهای رقیب قرارداشت. از «هجرت» اندیشمندان اسلامی به کشورهای اسلامی منطقه تا ایستادگی و «دفاع» در مقابل جریانات منحرف اسلامی همگی شیوه های مختلف رویارویی با هدف بسترسازی تحقق تمدن اسلامی بوده است. هم اکنون با ظهور انقلاب اسلامی و جان گرفتن اندیشه ناب اسلامی در ایجاد و گسترش اسلام در شئون مختلف

زندگی فردی و اجتماعی شیوه مواجهه فعال و تهاجمی لازمه تحقق تمدن اسلامی است تا در شرایط فکری عالم که الگوی قطعی و مشخصی برای تربیت و هدایت انسان و رساندن جامعه به پیشرفت و تعالی وجود ندارد بتواند با طرح برنامه و راهبرد خود پاسخگوی واقعی نیازهای بشری باشد. هر چند تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی فاصله بسیار است اما مقدمات آن که وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل گیری نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه های اسلامی محقق شده است و برای رسیدن به آرمان انقلاب باید خیزشی فعالانه و تهاجمی و صراحت گونه در عرصه های فکری و معرفتی داشت.

ب- الزامات راهبردی تربیت جهادی به عنوان بایسته های اساسی تحقق تمدن

اسلامی چیست؟

این مواجهه جهادی ضرورتی اساسی برای تحقق تمدن اسلامی است. مقام معظم رهبری در این باره میفرماید:

« بعضی کسان از اسم جهاد می رمند! خیال می کنند که تاسیس یک کشور، ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان ها، با جهاد نمی سازد و جهاد ضد این هاست! چه خطایی! چه غلطی! بدون جهاد هیچ چیز به دست انسان نمی آید، نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد در مقابل گرگ بی دست و پای بیابان هم نمی شود ایستاد، چه رسد به گرگ های بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه های خونینی که میلیون ها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند.» (رستمی، ۱۳۹۴، ص ۴۵)

۱. بینش جهادی:

در جامعه اسلامی اگر چه اکثریت مردم گرایش به خداوند و اسلام دارند، اما این گرایش هنگامی ناب است و با اسلام سکولار غربی کنار نمی آید که مبتنی بر یک بینش و اعتقاد توحیدی باشد. اعتقاد توحیدی تنها با اثبات حضور محکم خداوند در عالم هستی محقق نمی شود، بلکه در کنار آن به نفی جریان طاغوت و غیر توحیدی هم می پردازد. فهم حداقلی از دین، نمی تواند تمدن ساز باشد. فهم حداقلی از دین، انسان مسلمانی را تربیت می کند که نسبت به آداب فردی خود شناختی از دین دارد و در خانواده و جامعه، انسان

مطلوبی است. اما تربیت جهادی انسانی فراتر از این محدوده را پرورش می دهد که با فهم حداکثری از دین و بینش توحیدی تربیت خواهد شد. این بینش جهادی در آیات مختلف قرآن مشخص شده است. *جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ* (توبه، آیه ۱۹)، *جَاهِدُوا فِيْنَا* (عنکبوت، آیه ۶۹)، *جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ* (مائده، آیه ۳۵)، *جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ* (توبه، آیه ۸۶)، *جَاهِدُوا فِي اللَّهِ* (حج، آیه ۷۸)، *جِهَاداً فِي سَبِيلِي* (ممتحنه، آیه ۱). این آیات جهت حرکت جهاد را نشان می دهد که همواره مبتنی بر شناخت خداوند است. آنچه از خدا سرچشمه بگیرد، حق است و مجموع حق و باطل نیز باطل است نه حق (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۸). فقدان باورداشت جدی به نظام حق و باطل در زندگی برخی مسلمانان باعث گردیده است دین، بخشی از هویت خود را که بعد سلبی است از دست بدهد. این مسأله، اثر زیادی در تسلط سبک زندگی بیگانه در زندگی آنان داشته و اساساً موجب کم همتی مسلمانان در سبک سازی، روش سازی و ساختارسازی شده است (علاسوند، ۱۳۹۲). در صورتی که برای انسان جهادی مهم ترین اصل توحید است. هنگامی که توحید را شناخت، همواره در مسیر توحیدی کردن جامعه نیز تلاش خواهد کرد. محوری ترین بینش جهادی برای تحقق تمدن اسلامی، بینش توحیدی است. توحید تنها در شناخت افعال و صفات خداوند و باور به توحید افعالی در عرصه زندگی نیست، بلکه همواره به نفی حضور طاغوت متصل است و این نفی و اثبات مواجهه جهادی در عرصه بینش ها را مطرح می کند.

۲. منش جهادی:

منش جهادی به جهاد اکبر و رفع منیت ها و خودپرستی ها بر می گردد. در آیات مرتبط با جهاد واژه «مع» آمده است که همراهی و تبعیت را نشان دهد: *جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ* (توبه، ص ۸۶) *لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ* (توبه، ص ۸۸) در تربیت جهادی، اطاعت سلسله مراتبی است و هر انسان جهادی در جایگاه خود ملزم به اطاعت از مافوق و هدایت زیر مجموعه خود است. این هدایت زیر مجموعه لزوماً به صورت رسمی و مشخص نیست، بلکه انسان جهادی به یک خود هدایتی و خود ارزیابی رسیده است که وظیفه خود می داند دیگران را نیز هدایت کند. خودهدایتی واژه ای است که به صورت تدریجی در فرایند خودسازی حاصل می شود. خودهدایتی رشد تدریجی عقلانی است که در سایه شناخت حکمت ها و عمل نمودن به آن ها در زندگی فردی و

اجتماعی حاصل می شود. خودهدایتی در مفهوم اگزیستانسیالیستی نیست بلکه به معنای مجاهده ای است که پس از شناخت وظایف الهی خود و عزم بر انجام مراقبه و محاسبه نصیب مجاهد می گردد (رستمی نسب، ۱۳۸۸، ص ۴۰۲). خود ارزیابی عبارت است از سنجش میزان درستی عملکرد خود، نسبت به تکالیف و اهداف از پیش تعیین شده (رستمی نسب، ۱۳۸۸، ص ۴۰۲). انسان جهادی همواره در حال تبعیت است و این تبعیت از ولی زمان، منیت ها و خود خواهی ها را از او می زداید و در عوض دیگر خواهی را در او رشد می دهد، به گونه ای که همواره دغدغه رشد و هدایت دیگران را هم دارد. این منش جهادی، حاصل مبارزه با منیت ها است تا ظرفیت وجودی افراد برای تحقق تمدن اسلامی افزایش یابد. تا تشکیلاتی فراهم گردد که هر چند از تک تک افراد تشکیل شده است ولی فردی در این تشکیلات هویدا نیست و تنها آرمان و اعتقاد است که نمایانگر است.

۳. کنش جهادی:

انسان مجاهد، تلاش می کند در هر شرایطی وظیفه را انجام دهد و شرایط سخت او را از انجام تکلیفش باز نمی دارد. در قرآن شرایط مختلف این گونه توصیف می شود: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». برای جنگ با کافران، سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید. (توبه، آیه ۴۱)» خفاف جمع خفیف و ثقال جمع ثقیل و این دو کلمه مفهوم جامعی دارد که همه حالات انسان را شامل می شود، یعنی اعم از اینکه جوان باشید یا پیر، مجرد باشید یا متأهل، کم عائله باشید یا پرعائله، غنی باشید یا فقیر، بدون گرفتاری باشید یا گرفتار، زراعت و باغ و تجارت داشته باشید یا نه، در هر صورت و در هر حال و در هر موقعیت بر شما لازم است هنگامی که فرمان جهاد صادر شد، همگی این دعوت آزادیبخش را اجابت کنید و از هر کار دیگری چشم پوشید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۲۵).

اقتضای زمان ضرورت جهاد در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی تمدن را مشخص می کند. کنش جهادی انسان را در زمان تشخیص وظیفه حرکت می دهد تا با تلاش و تحمل سختی های مسیر و چشم پوشی از آسایش و سکون اقدام به موقع انجام گیرد. تحقق تمدن اسلامی بستگی به تحقق کنش های جهادی افراد در عرصه اجتماع دارد.

انسان ضمن تشخیص جایگاه و وظیفه خود در تمدن اسلامی برای این وظیفه هم وارد مرحله عمل شود و البته گاهی لازم است به شیوه های نرم در عرصه های جهادی وارد شد و گاهی ضرورت استفاده از جهاد سخت وجود دارد. بنابر این در تربیت جهادی پویایی در شیوه ها و ابزارها ضروری است. در قرآن و در راستای دفاع از ارزشهای دین از شیوه های مختلف سخن آمده است. گاهی جهاد در عرصه فرهنگی و با هدف روشنگری است: «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ - نحل، آیه ۱۲۵» گاهی در عرصه نظامی و با هدف نابودی جبهه کفر است که دستور شدت گرفتن بر آنها را می دهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهِبْ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» - توبه ، آیه ۷۳»

پیشنهادات تربیتی

- در این قسمت، بر اساس یافته های پژوهش حاضر، پیشنهاداتی به منظور افزایش کیفیت فعالیت های تربیتی و پژوهشی مرتبط با موضوع مورد بحث ارائه می گردد.
۱. با توجه به پیچیده شدن شرایط زمانه که محصول رشد علم و تکنولوژی است ، زمینه های هجمه علیه فکر و قلب انسان به راحتی مهیا است. در چنین موقعیتی ضرورت دفاع از خود و دیگران در برابر هجمه ها بالا می رود. با توجه به این شرایط و ضرورت توجه به تحقق تمدن نوین اسلامی به برنامه ریزان تعلیم و تربیت پیشنهاد می گردد در برنامه ریزی های کلان خود توجه ویژه ای به عنصر «جهاد» نمایند و مفهوم واقعی جهاد را که تنها بر بعد نظامی آن تاکید ندارد در اهداف و محتوای متون درسی وارد نمایند.
 ۲. پیشنهاد می گردد به جای عنوان درسی «آمادگی دفاعی» از عنوان «آمادگی جهادی» استفاده نمایند و از این طریق قلمروهای مختلف دفاع در جهاد را که مربوط به حوزه فردی و اجتماعی هست، گسترش دهند. به ویژه بر اهمیت ارتباط بین جهاد اکبر و جهاد اصغر توجه ویژه ای نمایند تا دانش آموزان احساس قدرت و عزت را ابتدا در مبارزه با نفس خود درک نمایند و سپس قدرتمند در عرصه های اجتماعی حاضر شوند.
 ۳. با توجه به اینکه تربیت مبتنی بر جهاد در بستر میدان نبرد و با مبارزه همراه است، به کارگزاران تربیتی پیشنهاد می گردد میادین تربیتی نبرد را با تدارک دیدن اردوهای مختلف فراهم نمایند. در

این اردوها می توان بر اساس موقعیت های تربیتی مطرح شده در تحقیق و تمرین های آن، دانش آموزان را با مولفه های مختلف تربیت جهادی همراه کرد.

۴. از آن جایی که تربیت مبتنی بر جهاد در بستر گروه های کوچک اجتماعی بهتر محقق می شود، به کارگزاران تربیتی پیشنهاد می گردد زمینه تشکیل و توسعه این گروه ها را با برنامه ریزی ویژه ای برای آن مهیا کنند تا دانش آموزان در کنار مربی جهادی توانمند خود، با موضوعات اخلاقی اجتماعی بهتر آشنا شوند. ضمن اینکه نمی توان تربیت جهادی را نسخه ای برای تمام دانش آموزان دانست، از این طریق دانش آموزان مستعد گزینش و تربیت می شوند.

۵. از آن جایی که در تربیت جهادی، سختی پذیری و سخت کوشی یک معیار مهم است، لازم است برنامه ریزان تربیتی به میزان این فاکتور در محتوا و روش و ارزشیابی درسی دانش آموزان توجه ویژه ای نمایند و شرایط تساهل و تسامح موجود در سیستم آموزش و پرورش را با هدفمندی خاصی تعدیل نمایند.

بحث و نتیجه گیری :

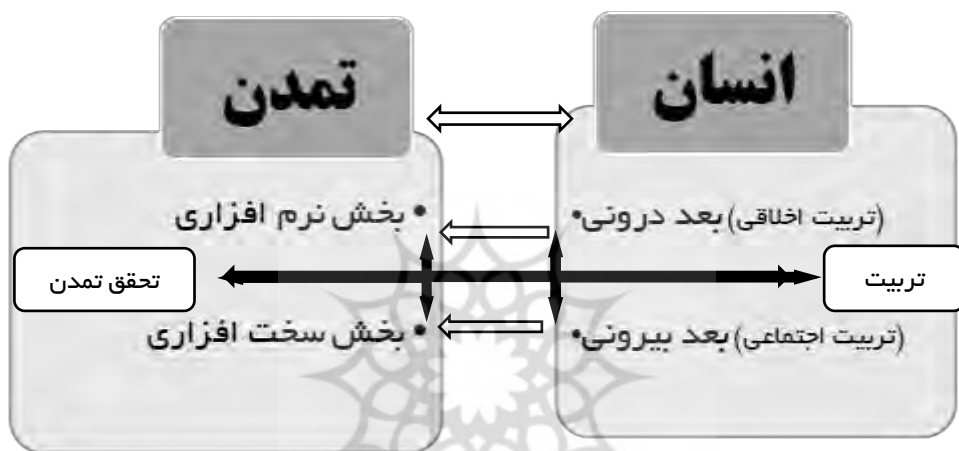
شکل گیری تمدن بر اساس مدنی الطبع بودن انسان ضرورتی انکار ناپذیر است و هر فکر و فلسفه ای می تواند مبانی علمی آن تمدن را فراهم کند، اما ضرورتی در دوام آن تمدن ایجاد نمی کند. به گونه ای که تمدن های بزرگ قدیم با وجود عجایبی نظیر اهرام ثلاثه مصر که هنوز نحوه ساخت آن بر بشر امروز معلوم نگردیده است، اکنون بروزی ندارد. نمونه اخیر تمدن با پیشرفتگی علمی را باید در تمدن فعلی غرب جستجو کرد. تمدنی در اوج پیشرفت تکنولوژی و با پشتوانه مکاتب و نظام های فکری و فلسفی که با محوریت قرار دادن انسان و تلاش همه جانبه برای فراهم کردن بستر توسعه و پیشرفت در زندگی انسانی هم اکنون با چالش های اساسی مواجه است و در واقع جریان پست مدرنیسم در غرب عکس العملی به حیران ماندن بشر در این تنگناها و تعارض های فکری موجود بود. این عکس العمل پاسخی را برای انسان همراه نداشت بلکه تنها توانست شرایط جدید را برای او توجیه کند. شرط اساسی دوام تمدن، توجه همه جانبه به نیازهای اساسی انسان و شناخت کامل از او است. شناختی که مبتنی بر همه ابعاد وجودی انسان باشد. چنین تمدنی می تواند انسان را به سعادت واقعی برساند و تحقق این تمدن به وسیله همین انسان فراهم

می‌گردد. با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق می‌توان به جهاد نگاهی فراتر از جنگ و قتال داشت و به عنوان سبک زندگی و عنصر ظرفیت ساز انسانی برای مقابله و رویارویی با شرایط دشوار نگریست. جهاد این ظرفیت را دارد که به صورت همزمان زمینه توجه به بعد درونی و بیرونی انسان را فراهم کند و در واقع احاطه ای بر تمام ساحت‌های وجودی انسان می‌یابد و نوع مواجهه او با موانع و مسائل فردی و اجتماعی و حتی تمدنی را جهادی می‌کند.

شرط لازم تحقق تمدن نوین اسلامی، توانایی رویارویی با تمدن‌های رقیب و حتی سلطه‌گر است. این رویارویی از نوع برخورد جنگی نیست و در مقیاس تمدنی، رویارویی ارکان و مولفه‌های اساسی تمدن‌ها فرهنگ، علم، فناوری، نظام‌های سیاسی-اقتصادی، معنویت و ارزش‌ها و ... نسبت به یکدیگر است. راه تمدن‌سازی، راه آسوه‌خاطری نیست و جامعه‌ای که قصد تمدن‌سازی را دارد باید از نظر روحی و ذهنی خودش را برای قبول سختی‌ها و دشواریهای مسیر آماده کند. این آمادگی برای انسان جهادی به راحتی فراهم است. زیرا او همواره خودش را در میدان مبارزه می‌بیند. چه مبارزه با نفس درون و چه مبارزه با نفوس بیرون. این آمادگی او را به میدان می‌آورد و دشواری‌های مسیر را هم به جان می‌خرد. حضور در میدان‌های مختلف نبرد و رویارویی، برای او موقعیت رشد و تربیت را فراهم می‌کند و همچنان که این مبارزه ادامه می‌یابد، فرایند تکامل و رشد او هم ادامه می‌یابد.

دو بعد اصلی جهاد، جهاد درونی یا جهاد اکبر است که با مبارزه و خودسازی انسان آغاز می‌شود. این مبارزه لازمه مبارزه مهم تری در عرصه اجتماع است که انسان از سطح خود فراتر آمده و به سرنوشت اجتماع انسانی فکر می‌کند. اراده و اختیار انسان به همراه احساس مسئولیت و مقتضای اجتماع و محدودیت در منابع و امکانات، میدان نبردی دیگر برای انسان فراهم می‌کند که حضور در این میدان مجدداً زمینه تربیت و رشد اجتماعی او را فراهم می‌کند. نکته حائز اهمیت توجه همزمان به این دو عرصه مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان است و این توجه توأمان در مفهوم جهاد نهفته است. انسان جهادی ظرفیت تمدن‌سازی را می‌یابد و می‌تواند هم در بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی و فراهم کردن علم، هنر و اخلاق و معنویات تمدن و هم در بخش سخت‌افزاری و ساخت نظام‌های

سیاسی، اقتصادی موثر باشد. چگونگی این فرایند تاثیر گذار و تایید پذیر در رابطه انسان و تمدن در نمودار زیر نشان داده شده است. بخش نرم افزاری تمدن اسلامی همسو با بخش درونی انسان و متاثر از آن است. روح متعالی و الهی انسان، تعالی بخش محتوای تمدن اسلامی خواهد شد و بخش سخت افزاری تمدن همسو با بعد بیرونی و جسمانی انسان و متاثر از آن است. انسان با کنشهای جهادی خود مسیر تحقق بخش سخت افزاری تمدن اسلامی را هموار می کند.



نمودار ۱: چگونگی تاثیر گذاری و تاثیر پذیری بین انسان و تمدن بر اساس عامل جهاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- باقری، خسرو، (۱۳۸۸)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۲، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۲- برزینکا، ولفگانگ، (۱۳۷۱)، *تقش تعلیم و تربیت در جهان امروز*، ترجمه مهرآفاق بایبوردی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- جانی پور، محمد و ستوده نیا، محمدرضا، (۱۳۹۲)، *جهاد مقوله ای فرهنگی - اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی*، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم*، چاپ ۱.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، *دین شناسی*، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۵- حسینی، حسین، (۱۳۹۵)، *تمدن پژوهی، مطالعات مفهومی تمدن اسلامی*، تهران، جامعه شناسان.
- ۶- حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، *خورشید مغرب*، قم، دلیل ما.
- ۷- خاکرند، شکرالله، (۱۳۹۰)، *سیر تمدن اسلامی*، قم، موسسه بوستان کتاب.
- ۸- خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی: اهمیت، جایگاه و عوامل موثر بر تعلیم و تربیت*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۹- داوودی، محمد و حسینی زاده، سیدعلی، (۱۳۸۹)، *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*، تهران، سمت.
- ۱۰- رجبی، طاهره و نوروزی، رضاعلی، (۱۳۹۴ الف)، *ماهیت مبارزه و قلمروهای تربیتی آن در آموزه های اسلامی*، *پژوهش در مسائیل تعلیم و تربیت اسلامی*.
- ۱۱- رجبی، طاهره و نوروزی، رضاعلی، (۱۳۹۴ ب)، *تاملی بر جهاد و موقعیت های تربیتی آن از منظر قرآن*، *اسلام و پژوهش های تربیتی*.
- ۱۲- رستمی نسب، عباسعلی، (۱۳۸۸)، *فلسفه تربیتی ائمه اطهار (ع)*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.
- ۱۳- رستمی، محمد، (۱۳۹۴)، *زندگی به سبک جهادی: فرهنگ جهادی در بیانات رهبر معظم انقلاب*،

قم، نشر شهید کاظمی.

۱۴- صفایی حائری، علی، (۱۳۸۲)، *انتظار*، قم، لیله القدر.

۱۵- صفایی حائری، علی، (۱۳۸۸)، *قیام*، قم، لیله القدر.

۱۶- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۷- علاسوند، فریبا، (۱۳۹۲)، *هنجارشناسی سبک زندگی دینی: تبیین سه اصل محوری زن در فرهنگ و هنر*.

۱۸- علم الهدی، جمیله، (۱۳۸۴)، *مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی بر اساس فلسفه صدرای تهران*، دانشگاه امام صادق (ع).

۱۹- غفاری هاشجین، زاهد و ناصر خاکی، حسن، (۱۳۹۵)، *زمینه ها و بایسته های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن گرایان*، علوم سیاسی، ش ۷۵.

۲۰- کیلانی، ماجد عرسان، (۱۳۸۹)، *فلسفه تربیت اسلامی: مطالعه تطبیقی فلسفه تربیت اسلامی و فلسفه های تربیتی معاصر*، تهران، سمت.

۲۱- مصباح، محمدتقی، (۱۳۸۲)، *جنگ و جهاد در قیران، تدوین و نگارش: اسکندری، محمدحسین؛ نادری قمی، محمد مهدی*. قم، انتشارات موسسه پژوهشی امام خمینی.

۲۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، *دین و دوران* (خلاصه آثار شهید مطهری، دفتر ششم)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.